

# بخش هفتم درمسند خلافت وچپاولگري هاي بي نهايت

(تحقيق وپژوهش استاد صباح)

هيچ زيربناي اجتماعي ازآن زيربناي شوم خطرناكتر نيست كه شخصي با انسانهايي ديگر هرچه ميخواهند بكنند، بي آنكه بتوان بر آنها خرده گرفت واز آنها بازخواست كرد.

مروري بركارنامه امير اسماعيل خان در خلافت هرات



گویند اسکندر قبل از مرگ وصیت کرده بود:

هنگام دفنم دست راست مرا بیرون از خاک بگذارید، پرسیدند چرا؟

گفت: میخوام تمام دنیا بدانند که اسکندر با آن همه شکوه و جلال دست خالی از دنیا رفت.

«سکندر دو صد پادشاه را بکشت

ازین چرخ گردون چه دارد به مشت.»

در روزهایی که اسماعیل مردم را تشویق به جهاد می کرد، پسرش میرویس را به خاطر تحصیلات عالی به فرانسه فرستاده بود. این حرف بالای تمامی سران جهادی صدق می کند که پسران و دختران خود را از یول و خون ملت مظلوم بخارج از کشور به تحصیل فرستادند و مردم بیخبر را تشویق به جنگ و همدیگر کشی می نمایند. به همین خاطر کسی به یاد ندارد که اولاد و یا اقارب سران جهادی در جریان جنگ کشته شده باشد. تمام نور چشمی های سران جمعیت و شخص برهان الدین ربانی، از فاطمه ربانی گرفته تا صلاح الدین ربانی، شجاع ربانی، جلال ربانی و غیره در بهترین یو هنتون های امارات متحده و لندن تحصیلات عالی کردند و با ناز و نعمت کلان شدند اما برای مردم حرف از جهاد و مقاومت می زدند و همانطوریکه میدانیم برادران احمد شاه مسعود تا آخرین روز هادر فرانسه و لندن مصروف عیاشی و عیش و نوش و تجارت ز مردم و لاجورد بودند و فامیل و بستگان یونس قانونی در لندن در بهترین محله و قصر زندگی دارند و مردم پنجشیر را هر روز با اقوام دیگر در جنگ و کش و گیر تشویق و ترغیب مینمایند.

حس خود خواهی و جاه طلبی اسماعیل بیشتر از سایرین است - صاحب منصبی که در فرقه میدان هوایی شیندند در سال های ۱۳۷۲-۱۳۷۴ ایفای وظیفه می نمود گفت: ما به طرفداری اسماعیل خان در ساحه آب خرما با طالبان درگیر جنگ بودیم که یکی از روزها اسماعیل خان افراد خود را در منطقه شوز (شاه حوض) طرف شمال آب خرما جمع کرد و به سخنرانی پرداخت. تمام حرفهایش روی کلمه جهاد متمرکز بود، همه را تشویق به جنگ علیه طالبان می کرد و می گفت این جهاد برحق است و هرکس درین جنگ شهید شود از نعمت های فراوان جنت برخوردار می گردد. بعد صاحب منصب نسبتاً مسن دست خود را بلند کرد و پرسید این جنتی را که شما می گوئید تنها برای اولاد غریب ساخته شده یا برای دیگران هم است. اسماعیل خان گفت نی جنت برای همه است.

صاحب منصب گفت شما که این اندازه قدرجهاد و جنت را می‌دانید و تشویق می‌کنید که مردم خود را به کشتن بدهند، پس می‌رویس جان پسر خود را نیز از فرانسه بخواهید تا درجهاد سهم بگیرد و از نعمت‌های جنت بهره‌مند شود. این حرف صاحب منصب به مزاج اسماعیل خان خوش نیامد و با خشم تمام نزدیک صاحب منصب شده او را به سیلی زده توهین کرد و گفت که تو به حرف زدن خود نمی‌فهمی .

در زمان اقتدار اسماعیل در هرات ، خود را والی نه بلکه امیر جنوب غرب می‌خواند. و در زمان امارتش دیدیم که به سبک طالبان چه فضای خفقان را مستولی ساخته بود. همه به خاطر دارند که تحت اداره او دختری اگر با پسر نامحرم در شهرگیر می‌افتاد فوری برای معاینه باکره‌گی به شفاخانه انتقال داده می‌شد . وی زیر همین نام، تمام درآمد و امکانات هرات (علاوه از عواید دو بندر مهم و مشهور اسلام قلعه و تورغندی)، عایدات و مالیات جایزاده‌های مردم و شاروالی و غیره را به میل خود صرف می‌نمود و تا مدتی که والی هرات بود به دولت مرکزی سهمی ازین پول نمی‌داد و یا هم چیزی ناچیز میداد. همین خودسری‌ها و روابط پنهانش با دولت جبار ایران بود که باعث شد با داران خارجی‌اش طی عملیات برق‌آسا افرادش را خلع سلاح نموده از گوش خودش کشیده به کابل انتقالش دهند .

امیر صاحب که از نام جهاد و شهیدان بیشتترین سوءاستفاده را می‌کند، عملاً به شهدای گمنام وطن ارزشی قایل نیست. اما برای پسرش می‌رویس که در یک درگیری شخصی با ظاهر نایب‌زاده به خاطر عیاشی‌هایش کشته شد، چندین جریب زمین بیت‌المال را غصب کرده مقبره پرزرق و برق ساخته و دهها قبر مربوط اهالی هرات را بخاطر کشیدن سرک الی باغی که در آن پسرش دفن است تخریب کرد. گفته می‌شود حدود یک میلیون دالر صرف مقبره پسرش نموده است اما مردم مظلوم را زیاد بود مرده‌های شان که شاید زمانی قهرمانان جنگ ملی بودند محروم ساخت. (او به صورتی انتقام پسرش را نیز گرفت و ظاهر نایب‌زاده در مسیر راه مزار - کابل ظاهراً در حادثه ترافیکی بصورت مرموزی کشته شد). امیر صاحب جهادی به این هم اکتفا نکرد و چون خود خواهی‌اش حد و مرز نمی‌شناسد، چندین کوچه جاده بانک خون را بنام پسر عیاشش نامگذاری نمود در حالیکه برای دیگر شهدا نه بنای یادبودی ساخت نه مقبره‌های شان را احاطه کرد و نه کدام جاده و سرکی را بنام شان ثبت نمود .

به گفته عزیزالله لودین رییس مبارزه با فساد اداری، او به ارزش دهها میلیون دالر جایزاد عامه را نیز غصب نموده است اما از آنجاییکه اسماعیل حال یک مهره دولت پوشالی کرسی است و امریکا به این چنین افراد خود فروخته نیاز دارد، مثل فراوان موارد دیگر فساد رهبران جهادی، روی این فساد و چپاول او نیز پرده انداخته شد و فعلاً قضیه خاموش است . بعد از سقوط دولت نجیب، تورن اسماعیل هرات را متصرف شد و نتیجه سالها مبارزه و جانبازی مردم را قاپید و با یک مشت قومندانچه‌ها و اعضای خانواده‌اش به پول‌های افسانوی دست یافتند .

اسماعیل چندین سال است که به شکل غیرمسلکی در وزارت ناکام آب و برق کار می‌کند. این درحالیست که در این پست حرکات غیرمسلکی و منافی منافع و ارزش‌های ملی از او سرزده است. طور مثال امیر صاحب زمانی فرموده بود که طی چهل روز مشکل برق پایتخت را حل می‌کند در حالیکه تا امروز هم مشکل برق کابل بصورت درست حل نگردید. در ضمن او صدها میلیون دالر را برای آوردن برق وارداتی که هر لحظه امکان قطع آن موجود است صرف نمود اما هیچ کاری برای ساختن بندها برای مهار آب سرشار افغانستان و تولید برق ننمود .

تعصب و گرایش‌های ستمی، قومی و لسانی اسماعیل خان زبانزد عام و خاص است. در حالی که ولایات نیمروز، فراه و هرات هم مرز ایران اند در دو ولایت (هرات و نیمروز) از ایران برق وارد نموده و به کسانی توزیع نمود، ولی با مردم فراه عقده‌ای برخورد کرده و تا امروز مطلقاً از برق دولتی محروم می‌باشند. مردم این ولایت مجبورند در بدل فی کیلو وات ۵۰ الی ۶۰ افغانی از برق جنراتوری استفاده نمایند .

اسماعیل خان در مسلک نظامی خود نیز چندان وارد نیست و در نتیجه بلند پروازی‌های نظامی مردم زیادی را به کشتن داد و حتی خودش هم اسیر طالبان گردید. وی زمانی که با طالبان درگیر جنگ گردید آنان ولایات قندهار، هلمند، نیمروز و فراه را اشغال کرده بودند و خط مقدم بین او و طالبان منطقه آب خرما ( ساحه‌ای بین فراه رود و شیندند) گردید و مدتی درین منطقه باهم جنگیده بعد طالبان عقب‌نشینی و تا ولسوالی گرشک رفتند. اسماعیل بدون این که توازن قوای خود و دشمن را بداند، دوری و فاصله هرات تا گرشک را محاسبه کند و یا شناختی از ماهیت طالبان داشته باشد که در عقب شان دست کیست، عجلانه آنان را تا ولسوالی مذکور تعقیب کرد. بعداً روشن شد که طالبان عقب‌نشینی تاکتیکی نموده با تجدید

قوا در این ساحه با یک ضد حمله سنجیده شده و شبخون صف اسماعیل را شکستند که در نتیجه صدها انسان مظلوم که فریب نیرنگ‌های امیر را خورده بودند به کام مرگ رفتند .

در این جنگ بود که حدود یک صد جنگجویی که از جانب شورای نظار به کمکش آمده بودند در ساحه توت به چنگ طالبان افتاده وبدون درنگی در زیر پل شاهراه همان منطقه تیرباران شدند. او خودش بدون اینکه به افراد خود توجه نماید با دار ودسته معدودش از راه اسلام قلعه به ایران فرار نمود و در نتیجه هرات بدست طالبان افتاد .

در روزهایی که او مردم را تشویق به جهاد می‌کرد، پسرش میرویس را به خاطر تحصیلات عالی به فرانسه فرستاده بود. این حرف بالای تمامی رهبران جهادی صدق می‌کند که پسران و دختران خود را از پول و خون ملت مظلوم خارج از کشور به تحصیل روان می‌کنند و مردم ناآگاه و بیخبر را تشویق به جنگ و همدیگرکشی می‌نمایند. به همین خاطر کسی بیاد ندارد که اولاد و یا اقارب رهبران جهادی در جریان جنگ کشته شده باشد.

تمامی نورچشمی‌های جمعیت شخص برهان الدین ربانی، از فاطمه ربانی گرفته تا صلاح‌الدین ربانی، شجاع ربانی، جلال ربانی و غیره در بهترین پوهنتون‌های امارات متحده و لندن تحصیلات عالی کردند و با ناز و نعمت کلان شدند اما همینها هم شرم نکرده حرف از «جهاد» و «مقاومت» می‌زنند و انتظار دارند که مثل پدران شان زیر این نام به مقام و دار و ندار کشور چنگ نزنند. همانطوریکه میدانیم برادران احمد شاه مسعود تا آخرین روزها در فرانسه و لندن مصروف عیاشی و عیش و نوش بودند و فامیل و بستگان یونس قانونی در لندن در بهترین محل و قصر زندگی دارند و مردم پنجشیر را هر روز با اقوام دیگر در جنگ و کش و گریز تشویق و ترغیب مینمایند .

عزیز الله لودین گفت که محمد اسماعیل خان وزیر انرژی و آب در سرقت پول و جایزاد دست دارد. من بخاطر متهم ساختن برخی از افراد در حال حاضر زیر انتقادات شدید قرار دارم. من اسماعیل خان را متهم به فساد کرده ام که مانند وی هیچ وزیر چپه شاخ وجود ندارد، اما حالا ببینید که چه کسی جرأت دارد تا از وی در مورد پیرسد و پول و جایزادی را که به سرقت برده از او دوباره بدست بیاورد. اسماعیل خان در قضیه برداشت میلیونها دالر از یک بانک دولتی در زمان ولایت هرات، استفاده سواز عواید گمرکات و نیز بستن قرارداد غیر شفاف با برخی از شرکت های ساختمانی، متهم است. برنامه اداره مبارزه با فساد اداری که پیش از دادن رای اعتماد به وزیران، به پارلمان فرستاده شده بود، آمده است که اسماعیل خان در حدود هفتاد میلیون دالر از یک بانک دولتی برداشته است.

قانون در کشور، تنها برای مردان زورمند چنگال ندارد اما می تواند افرادی را مورد پی گیری قرار دهد. اداره مبارزه با فساد اداری به تاریخ پنج ثور سیزده نودیک، محمد اسماعیل وزیر انرژی و آب را به دست داشتن در فساد متهم کرد. لودین گفته بود- من اسماعیل خان را متهم به فساد کرده‌ام که مانند وی هیچ وزیر چپه شاخ وجود ندارد، اما حالا ببینید که چه کسی جرئت دارد تا از وی در مورد پیرسد و پول و جایزادی را که به سرقت برده، از او دوباره بگیرد. این درحالیست که با بی نتیجه ماندن و فراموش شدن این دوسیه‌ها انتقادات بر ناکارایی و عدم هماهنگی ادارات مبارزه با فساد بیش از پیش افزایش یافته است.

اسماعیل خان در قضیه برداشت میلیون ها دالر از یک بانک دولتی در زمان ولایت هرات، استفاده سواز عواید گمرکات و نیز بستن قرارداد غیر شفاف با برخی از شرکت های ساختمانی، متهم است. برنامه اداره مبارزه با فساد اداری که پیش از دادن رای اعتماد به وزیران، به پارلمان فرستاده شده بود، آمده است که اسماعیل خان در حدود هفتاد میلیون دالر از یک بانک دولتی برداشته است.

این پولها زمانی برداشت شده که داکتر اشرف غنی وزیر مالی بوده است و در همان زمان، اشرف غنی، هیاتی را برای بازپس گیری این پول به هرات فرستاده اما والی پیشین هرات از تحویل این پول ها به هیات اعزامی از کابل، خود داری و با هیات همکاری نکرده است . از سوی دیگر عزیز الله لودین رییس اداره مبارزه با فساد اداری به خبرگزاری بخی گفت که شماری از وزیران کابینه به اختلاس و غصب جایزادهای دولتی متهم هستند اما او از گرفتن نام این افراد خود داری کرد. با این حال لودین افزود که صد ها جریب زمین دولتی در شهر هرات از سوی برخی زورمندان غصب شده است. عبدالمجید خان زابلی در زمان صدارت سردار شاه محمود غازی یکی از با نفوذ ترین وزرای کابینه بود و همزمان ریاست تمامی وزرای سکتورهای اقتصادی و مالی کشور را برعهده داشته است.

گفته می شود که عبدالمجید خان، اساس گذار بانک ملی افغانستان است و سال ها مدیریت هیات عامل این بانک را به عهده

داشته است. زابلی سال های آخر عمرش را در امریکا به سربرد و در اوایل ده هفتاد در این کشور وفات کرد. از عبدالمجید خان زابلی صدها جریب زمین در ولایت های هرات، ننگرهار و برخی از شهرهای بزرگ کشور باقی مانده است. عزیزالله لودین، با اشاره به اینکه جایداد های عبدالمجید خان زابلی ملکیت دولت است تایید کرد که بخش اعظم این جایدادها از سوی برخی زورمندان غصب شده است. به گفته رییس مبارزه با فساد اداری، کل مساحت خانه عبدالمجید خان زابلی یازده ونیم جریب زمین است که هشت سال پیش از سوی یک هیات هشت نفری به مبلغ بیست چهار میلیون دالر قیمت گذاری شده است. لودین تاکید کرد که فرزندان و بازماندگان زابلی با نوشتن نامه ای به حکومت افغانستان گفته اند که تمامی جایدادهای آنان، مربوط به مردم افغانستان است.

هادی وحמיד، فرزندان مرحوم عبدالمجید خان زابلی و خانم او گفته اند که بیش از چهارده هزار و هشت صد جریب زمین متعلق به خانواده زابلی، مربوط به وزارت زراعت می شود که از سوی برخی زورمندان غصب شده است. بخشی از جایدادهای زابلی از سوی اسماعیل خان، بخشی به نام سلیم ترکی شاروال هرات و بخش سوم نیز به نام یک خانم قبایله شده است. در همین حال محمد رفیق شهیر رییس شورای متخصصان هرات به خبرگزاری بخدی گفت که در حال حاضر، موضوع ملکیت خانه اسماعیل خان از سوی کمیسیون مبارزه با فساد اداری مورد بحث است. به گفته شهیر خانه ای که فعلا اسماعیل خان در آن زندگی می کند ملکیت زابلی ها است و بنا به وصیت خود عبدالمجید زابلی، این خانه باید برای معارف و تحصیلات عالی افغانستان وقف شود. شهیر تاکید کرد که در دهه اخیر ملکیت این خانه، ظاهرا به نام همسر اسماعیل خان قبایله شده است. به گفته محمد رفیق شهیر رییس شورای متخصصان هرات، اسماعیل خان یک افسر نظامی بود که سرمایه زیادی نداشت اما اکنون یکی از سرمایه داران بزرگ افغانستان است.

او افزود که اسماعیل خان در هرات و برخی از ولایت های دیگر و نیز کشور همسایه (ایران) جایداد و سرمایه زیادی دارد. هتل بزرگ استقلال که در منطقه بسیارگران قیمت و با ارزش هرات (گرده پارک در نزدیک ساختمان ولایت) قرار دارد از جمله جایدادهای اسماعیل خان است. اسماعیل خان در دوره ای که والی هرات بود، عواید گمرکات هرات را به مرکز نمی فرستاد و این مساله در همان دوره سروصدهای زیادی را نیز برپا کرد.

اسماعیل خان سرمایه گذاری های زیادی در بخش های مختلف انجام داده و هنوز کسی نمی داند که سرمایه او، در کجاها قرار دارد. اسماعیل در حالی متهم به اختلاس و غصب جایدادهای دولتی در هرات، می شود که ولسی جرگه به شماری از وزرای پیشنهادی کرزی از جمله اسماعیل به عنوان وزیر انرژی و آب رای اعتماد داد. پس از اینکه این وزرا از پارلمان رای اعتماد گرفتند داکتر عزیزالله لودین، تاکید کرد که اداره مبارزه با فساد اداری نامه ای به پارلمان فرستاده و موضوع اختلاس و غصب زمین توسط برخی از وزرای پیشنهادی را با این نهاد مطرح کرده است. لودین تاکید کرد که اعضای پارلمان به این مساله توجهی جدی نکرده و به وزیران متهم به اختلاس رای اعتماد دادند. به دنبال مطرح شدن این اتهام، ولسی جرگه اعلام کرد که موضوع رای اعتماد به وزیران متهم به فساد، باز نگری می شود. اسماعیل از چند سال به این سو، از حامیان نزدیک رئیس جمهور کرزی به شمار می رود و چند سال است که به حیث وزیر انرژی و آب در کابینه کرزی کار می کند.

طرح پیشنهادی اسماعیل خان وزیر بر حال کابینه حامد کرزی مبنی بر تشکیل شورای مجاهدین و سپردن اداره و امنیت کشور بدست آنان حساسیت های شدیدی را بین مردم برانگیخت چون مردم به تجربه دریافته اند که این قوماندانان خود منبع بدامنی و جنایت بوده و انتظار امنیت از اینان مسخره است. ثانيا از این طرح بوی جاه طلبی اسماعیل خان بالاست و مردم را به یاد دوره مکر امارت اودر غرب افغانستان می اندازد. به همین علت تشویش عمیقی مردم هرات را فرا گرفته است. اسماعیل یک شخص شدیداً عقب مانده و کهنه فکر است. در عصر حاضر که سخن از کمپیوتر و اینترنت و کشف ستاره ها و سیاره ها در میان است، به امیر خوانده شدن خود مباحثات میکند.

**از احمدضیا مسعود**

به ازای هر شیاد، انسان صدیقی هم وجود دارد.



چه فکرمی کنی؟

که بادبان شکسته زورق به گل نشسته ای ست زندگی؟

در این خراب ریخته

که رنگ عاقبت از وگریخته

به بن رسیده راه بسته ای ست زندگی؟

چه سهمناک بود سیل حادثه

که همچواژدها دهان گشود

زمین و آسمان زهم گسیخت

ستاره خوشه خوشه ریخت

و آفتاب در کبود دره های آب غرق شد...

در ۲ دسامبر ۲۰۱۰، روزنامه گاردین نوشت که اسناد نشر شده ویکی لیکس از مکتوب‌های سفارت امریکا در کابل فاش نموده که احمدضیا مسعود، برادر احمدشاه مسعود، در دوره اول ریاست جمهوری کرزی به‌حیث معاون اول ایفای وظیفه می‌نمود و در همان زمان حین سفر به دبی با ۵۲ میلیون دلار از طرف پولیس میدان‌هوایی دبی بازداشت شد اما در نهایت با همان پول توانست به لندن برود و بدون این که کسی از او بی‌رسد دوباره به افغانستان برگشت و در این دور انتخابات نیز به حیث معاون اول زلمی رسول نامزد بود و حال هم مشاور اشرف غنی احمدزی است.

چانه‌زنی‌ها روی کابینه جریان دارد که بدون شک جمعی از همان فاسدان گذشته در کابینه جدید راه خواهند یافت. در تازمه‌ترین مورد، ضیا مسعود از جانب اشرف غنی به حیث نماینده فوق‌العاده رییس‌جمهور در امور اصلاحات و حکومتداری خوب منصوب گردید. ضیا مسعود که چند سال تمام در کرسی معاونت ریاست‌جمهور کوچک‌ترین کاروایی مثبتی از خود به جا نگذاشت و از جمله مراجع تصمیم‌گیرنده دستگاه پرفساد کرزی بود، معلوم نیست حال بر اساس چه معجزه‌های «حکومتداری خوب» را به نمایش خواهد گذاشت! نصب یک مهره آزمایش‌شده و ناکام گذشته در این چنین کرسی مهم به این معنی است که غنی به گفته مردم می‌خواهد بالای زاغ بودن شکار کند! حداقل دوسند معتبر ذیل از فاسد و چپاولگر بودن اوسخن می‌گویند:

ویکی‌لیکس: سند فاش‌شده توسط «ویکی‌لیکس» در مورد ضیا مسعود

در صدها هزار سندی که سایت «ویکی‌لیکس» منتشر ساخت یک سند محرم وجود دارد که به تاریخ ۱۹ اکتوبر ۲۰۰۹ از سفارت امریکا در کابل به وزارت خارجه و وزارت مالیه آن کشور مخابره شده‌است. در این سند از انتقال صدها میلیون دالر پول نقد از طریق میدان‌هوایی کابل توسط قاچاقچیان مواد مخدر، مقامات فاسد و دارندگان تجارت شخصی اظهار نگرانی گردیده از آن منحصی عاملی برای بی‌ثباتی افغانستان نام برده شده‌است. در این سند یک مثال ارائه گردیده، گفته می‌شود که دولت امارات متحده عربی در اوایل ۲۰۰۹ احمد ضیا مسعود را که آن وقت معاون اول رییس‌جمهور افغانستان بود با بکسی پر از ۵۲ میلیون دالر پول نقد در دوی متوقف کرد. وی برای مدتی بازداشت شد و سپس بدون هیچ توضیحی آزاد گردید. در سند مذکور این مثال نمونه‌ای از پول‌شویی توسط مقامات بلندپایه افغانستان خوانده شده‌است. ضیا مسعود به زدن ۵۰۰ هزار دالرسی. آی. ای متهم است که قرار بود آن را به احمدشاه مسعود برساند. یعنی او تنها از جیب ملت نه بلکه از جیب برادرش نیز زده‌است!

استیو کول در کتاب مشهورش «جنگ اشباح» جریان را شرح می‌دهد: کتاب «جنگ اشباح»: از سال‌های ۱۹۸۰ الی اوایل ۱۹۹۰ سی.آی.ای ماهانه دوصد هزار دلار مستقیماً برای مسعود جیره می‌پرداخت. گری شرون از کارمندان ارشد سی.آی.ای شخصاً این بسته‌های پول را به مسعود می‌رسانید. در جنوری ۱۹۹۰ شرون به پشاور رفته در دفتر مسعود که ضیا مسعود ریاستش را به عهده داشت با احمدشاه مسعود از طریق مخابره صحبت نمود. او به مسعود وظیفه داد که به‌خاطر آخرین ضربه به دولت نجیب، شاهراه سالنگ را ببندد در مقابل سی.آی.ای مبلغ ۵۰۰ هزار دلار به او ارسال خواهد کرد. شرون نیم میلیون دلار را نقداً به ضیا مسعود پرداخت نمود اما شاهراه سالنگ فقط برای چند روز مسدود بود و دوباره باز گردید.

وقتی شرون شش سال بعد با مسعود ملاقات نمود، در مورد پیمان شکنی‌اش در ارتباط به بستن شاهراه سالنگ یاد نمود. مسعود نگرقتن امکانات را دلیل آورد، اما شرون گفت که او شخصاً پول را به برادرش تسلیم کرده‌است. مسعود با تعجب پرسید چقدر؟ شرون گفت نیم میلیون دلار را به برادرش تسلیم داد. مسعود رویه‌سوی اطرافیان‌ش نموده جملاتی رد و بدل کرد، بعد یکی از آنان صدا کرد که این پول هرگز به ما نرسیده‌است. سپردن مهم‌ترین وظیفه «اصلاحات» و «حکومت‌داری خوب» به فردی که این چنین تاریخچه مک‌درارد و اتهامات فساد او هیچ‌گاه مورد بررسی جدی قرار نگرفته‌اند.

### نادر آتش رییس قبلی شرکت هوایی آریانا

مولانا: در جهان تنها یک فضیلت وجود دارد و آن آگاهی است و تنها یک گناه آن جهل است



نادر آتش، رییس پیشین شرکت هوایی آریانا، پس از آن که اختلاس مالی ده‌ها میلیون دلاری‌اش در سال ۲۰۰۹ افشا شد، توانست با پاسپورت امریکایی خود و بکس‌های پرازیپول کشور را ترک کند. اختلاس وی به حدی سنگین بود که در آن زمان روزنامه‌ها به وی لقب قوغ دادند.

### خانم فوزیه کوفی

خود فروختگانی که هویت‌شان و... را به ازای چیزی فانی و گذاشته‌اند. بی شخصیت‌اند و بی اعتبار، هرگز به چشم نمی‌آیند، مرده و زنده شان یکی است.

### هفت چیز که خطرناک هستند:

- ثروت بدون زحمت
- دانش بدون شخصیت
- علم بدون انسانیت
- سیاست بدون شرافت
- لذت بدون وجدان
- تجارت بدون اخلاق
- و عبادت بدون ایثار.



هدایت الله کوفی برادر فوزیه کوفی نماینده بدخشان، حین انتقال چهل و نوکیلوگرم هیروین در منطقه ی چته ی بدخشان باز داشت شد. خان شیرین راسخ سخنگوی قوماندان امنیه بدخشان گفت، هدایت الله کوفی در ناحیه چته شهر فیض آباد همراه با چهل و نو کیلوگرام مواد مخدر دستگیر شده است. همچنان مدیر مبارزه با مواد مخدر

بدخشان ضمن تأیید این خبر گفت- هدایت الله فرزند عبدالرحمان، از ولسوالی کوف آب بدخشان حین انتقال چهل ونوکیلو مواد مخدر در فیض آباد توسط پولیس باز داشت گردید. بسم الله محمدی به قوماندان امنیت بدخشان فشار وارد نموده بود تا وی را رها نماید.

هرچند هنوز این قاچاقبر مواد مخدر در بازداشت پولیس به سر می برد اما وزیر داخله طی تماس تلفونی خواستار رهایی او شد. فشارهای سیاسی کوفی و طرفدارانش جریان دارد تا هدایت الله را از بند رها سازند. خانم کوفی نیز به اسحاق الکو صحبت تلفونی نموده و خواستار رهایی برادرش شده است. فشار های خانم کوفی از مسیر دیگر نیز برای رهای برادرش آغاز شده است. خانم کوفی و برادرش نادرشاه کوفی ولسوال کوف آب، روابط ... نزدیکی با مارشال فهیم معاون ریاست جمهوری داشت. خانم کوفی به فرمان مارشال از هلیکوپترهای دولتی برای سفر از کابل به کوف آب استفاده می کند و خانم کوفی توسط این هلیکوپترها مواد مخدر را از کابل به کوف آب انتقال می دهد تا از آن طریق به تاجکستان، روسیه و کشورهای اروپای شرقی انتقال داده شود. برادر دیگر خانم کوفی، به نام مجیب که در تاجکستان و روسیه از قاچاقبران مشهور شناخته می شود. در سالهای اخیر قاچاق مواد مخدر در افغانستان و استفاده ی مقام های دولتی از قدرت دولتی خود در قاچاق مواد و انتقال آن به کشورهای جهان رسوایی های زیادی را در پی داشته است. رسانه های داخلی و خارجی از دست داشتن احمد ولی کرزی برادر رییس جمهور کرزی در قاچاق مواد مخدر و همین طور دیگر بستگان مقام های دولتی و فساد مالی، به نشر رسیده است. سال گذشته هنگامی که بلال برادر زاده ی حاجی دین محمد رییس کمپاین انتخاباتی حامد کرزی پس از قتل پولیس با مقدار زیادی هیروین که قیمت آن حدود دوملیون دالر اعلام شد باز داشت و اما در یک فرمان کرزی پس از دو روز رها شد، اکنون ظن این می رود که برادر خانم کوفی هم بدون محاکمه با استفاده از قدرت سیاسی او رها شود.

همچنان مریم کوفی که خود نماینده مردم است چند روز قبل هنگامیکه موترش به طرف وزارت امور خارجه در حرکت بود یک عراد موتر اداره عمومی امنیت ملی از عقب کمی با موترش تصادم کرد و خراب هم نشد. هنگامیکه از موتر پایین شد و بدون باز پرس چهار سیلی جانانه به روی افسر ریاست عمومی امنیت ملی حواله کرد. درست همان افسر که سینه خود را سپر کرده و دفاع از ناموس این مملکت می کند و آن نماینده محترم که در پارلمان نشسته تمام روز کمیشن کاری و غیره کار های دیگر ندارد. پولس اردو امنیت تمام این افراد نیاز به نوازش دارند نه به سیلی کوفی. اگر دولت باشد از این نمایندگان حق و ناحق مردم باید پرسان شود.

### صدیق چکری در لندن چکر میزند

چه پست اند آنها که فاصله ی میان آنچه هست شان، با، آنچه باید باشد شان، نزدیک است، حتی در برخی، هر دو بر هم منطبق! حیوان و درخت است که این دو بودن شان یکی است...



آدم بی سواد،  
سیاست اش،  
قبل و قال های بی ریشه است،  
و خدمت اش،  
پوچ و حقیر،  
و زندگی و لذت اش،  
بی کیفیت و سطحی و بی ارزش .

صدیق چکری، وزیر قبلی حج و اوقاف کابینه کرزی، هم پس از ربودن پول حجاج به آسانی توانست به لندن فرار کند و با پول دزدی شده در آنجا بلدنگ بسازد و از عاید آن در کنار دریای تیمزلندن به عیش و عشرت ادامه دهد. اوداماد ربانی است و پس از این خیانتش، حتا یکبار به دیدار ربانی به پاکستان آمد و بدون این که کسی به وی دست بزند، دوباره راهی لندن شد. چندی قبل محکمه مبارزه با فساد اداری انخستین جلسه خود را با حضور یک مامور وزارت حج و اوقاف به اتهام اختلاس برگزار کرد. این محکمه به صورت علنی راه اندازی شد و در آن نور محمد خزانه دار، وزارت حج و اوقاف متهم شد که در جریان برنامه های آمادگی برای اجرای مراسم حج و تنظیم امور

حجاج افغان، وی و برخی دیگر از همکارانش دست به اختلاس مالی زده اند. جلیل فاروقی، قاضی محکمه مبارزه با فساد اداری در این مورد چنین گفت محمد صدیق چکری، وزیر سابق حج و اوقاف که اکنون در بریتانیا به سر می برد نیز دوسیه ضخیم از فساد اداری دارد که پی گیری خواهد شد. سرپرست سابق وزارت حج و اوقاف از شرکت های خصوصی سیاحتی نیز رشوه اخذ کرده و امتیاز انتقال حجاج را به آنان داده است. در همین حال خزانه دارنورمحمد در دفاع از خود گفت هیچ اختلاسی نکرده و حاضر نیست در نبود سایر مقامات قبلی این وزارت، توضیحات بدهد. وی با این اتهام که صدها میلیارد دالر و ریال را اختلاس کرده است. وی افزود من تنها تحت امر یک شخص که چکری نام داشت و وزیر حج و اوقاف سابق بود قرار داشتم و تنها از او اجازه می خواستم و کارها را انجام می دادم، پس نباید تنها مرا مقصر بدانید، باید وی را نیز در محکمه حاضر کنید. وی بیان داشت بارها این موضوع را تکرار کرده ام و دو ماه در ریاست امنیت این موضوع را تشریح کردم که این مربوط من نمی شود، می توانید این موضوع را از صدیق چکری بپرسید.

صدیق چکری سرپرست سابق وزارت حج و اوقاف که به دزدی صدها هزار دالر پول حجاج افغان در سال ۲۰۰۹ و موارد دیگر فساد و غارت متهم بود، از آنجاییکه دارای تابعیت انگلستان بود، در همان اوایل با حمایت دولت آنکشور به لندن فرار نمود و تا حال در آنجا بسر می برد. از آنجاییکه چکری داماد برهان الدین ربانی و معاون تنظیم جمعیت است، کرزی در یک معامله پس پرده او را از چنگ محاکمه نجات داد. او در حالی به لندن پرواز کرد که در افغانستان حکم بازداشتش صادر شده بود. وقتی کرزی، ربانی و مقامات دیگر مصروف سفری به پاکستان بودند، به یکبارگی سروکله چکری در آنجا پیدا شد و معلوم گردید که با وساطت ربانی، او با کرزی دیدار نموده و در یک معامله نهانی از هرگونه تعقیب عدلی معاف گردیده است. در اوایل فرار چکری، دولت و نهاد های عدلی افغانستان با نیرنگ طوری وانمود می کردند که حسابهای بانکی وی با میلیونها دالر مسدود گردیده اند و تلاش برای بازگرداندن او به افغانستان ادامه دارد. به تاریخ ۱۴ حمل ۱۳۸۹ لوی څارنوالی به دروغ شایع نمود که گویا وی در لندن دستگیر شده است. بعدا اعلان کردند از طریق پولیس انترپول برای بازگرداندن او تلاش صورت گرفته است. اما عملا طی چند سال گذشته دیده شد که تمامی این اظهارات به خاطر فریب مردم بودند و بس. در حالیکه دوسال است که دیگر دوسیه چکری به فراموشی سپرده شده، او با دالر های حرام و بادآورده در لندن عیش و نوش می کند و بزنشش را آغاز کرده است:

ابتدا اقدام به خرید خانه ای در لندن کرده است که با این پول در فاصله صد کیلومتری شهر لندن سه تا چار خانه با کیفیت و کمیت خوبتر از آن میتوان خرید، به تعقیب آن محلی را در ناحیه کنزبری لندن به اندازه یکنیم برابر میدان فوتبال خریداری و به شدت مصروف کار اعمار آن که متشکل از بخش های جداگانه پیشرفته، ترمیم موتر، معاینه تخنیکی یا MOT موتر، فروش و ترمیم تایر و سایر مسایل آن؛ پارکینگ و چندین قسمت دیگر را در بر میگیرد، شده است.

توجه باید داشت که ارزش زمین در لندن چنان بلند است تا جایکه مسلمانان، عیسوی ها، یهودها برای دفن اموات شان قبر را برای بیست، بیست و پنج سال اجاره میکنند با ختم معیاد معینه مالک قبرستان بقایاء جسد را بیرون و سوزانیده و قبر را برای فروش دوباره آماده میکنند. صدیق چکری از جلادان تنظیمی است که در جنایت و بربریت دهه نود میلادی دست بالا داشت. در دولت «شر و فساد» ربانی منحیت و زیر اطلاعات و فرهنگ مصروف چپاول و غارتگری بود که یکی از خیانت هایش به آتش کشیدن هزاران جلد کتاب متعلق به کتابخانه پوهنتون کابل است.

با رویکار آمدن اداره کرزی، مثل دیگر همکیشان و شرکای جرمش، قرعه او نیز برآمده به کرسی های مشاور رئیس جمهور و وزارت حج و اوقاف رسید. در برنامه های تلویزیونی او با وقاحت باور نکردنی ای از جنایات و وحشت باندهای جهادی در کابل دفاع نموده آنرا قابل بخشایش و کار عواملی بیرونی وانمود می ساخت. او در حالی به کرسی وزارت تکیه زد که مدتی به منتقد دولت کرزی مبدل شده کابینه او را «دیوانه خانه» نامیده بود اما عشق به دالر او را نیز به این دیوانه خانه کشاند.

پناه دادن به خاینان و جنایتکاران افغان توسط کشورهای غربی امر تازه نیست. اکثر آدمکشان جهادی و طالبی همین اکنون در اروپا، امریکا، کانادا و استرالیا با خاطر آرام زندگی می کنند. طی ده سال حاکمیت حامد کرزی بر علاوه چکری، دزدانی چون نادر آتش، قدیر فطرت، محراب الدین مستان، زلمی حقانی و دیگران بعد از چپاول پول ملت به دامان صاحبانشان درین کشورها رفتند. ادامه دارد...